

The Alignment of the Existential Ranks of the Perfect Human and the Qur'an According to Imam Khomeini

***Fatemeh hassanpour**

**** Mahnaz (Seyede Fatemeh) Tavackoli**

*****Hassan mahdipour**

Abstract

The Holy Quran is a truth manifested from the divine realm to the heart of a Perfect Man. This mystical truth, in terms of possessing all ranks of existence from the divine world to the world of the mundane, has a close connection with the other manifestation of the truth, i.e. the Perfect Man, and in fact, it is a complete adaptation. The common mystical aspects of this union and the connection between these two truths according to viewpoint Imam Khomeini is the place to follow and investigate this article. In this way, by reflecting on the genetic and legislative relationship between the existential ranks of the Perfect Man and the truth of the Quran in the two arcs of descent and ascent, the conclusion was reached that the first place of the descent of the Quran and the second place of its truth is the knowledge of God, which descends from the position of unity of essence or the position of determining the right to The name al-Mutaklam corresponds to the Perfect Man. The arc of the revelation of Quran is in harmony with the determination of a Perfect Man in every level and status, and both of them are in terms of having the position of an unseen awareness, the form of Supreme Name, the plural position of beautiful and glorious names, appropriateness with the degrees of existence and designations of names and in terms of Quranic education and nominal Lordship of man, according to the Seven Subtleties.

Keywords: The Quran, Perfect Man, Imam Khomeini, Mysticism, Supreme name, names, ranks of existence.

* PhD Candidate, Islamic mysticism and thought of Imam Khomeini, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran (corresponding Author)

** Assistant professor, Department of Religions and Mysticism, the University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.

*** Assistant professor, Department of Mysticism Islamic, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran.

انطباق مراتب وجودی انسان کامل و قرآن از منظر امام خمینی (ده)

فاطمه حسن پور^۱

مهناز (سیده فاطمه) توکلی^۲

حسن مهدی پور^۳

چکیده: قرآن کریم حقیقتی متجلی از عالم الهی بر قلب انسان کامل محمدی (ص) است. این حقیقت عرفانی به لحاظ دارا بودن همه مراتب وجود از عالم الهی تا عالم ناسوت با دیگر تجلی حق یعنی انسان کامل ارتباطی وثیق و بلکه انطباقی کامل دارد. وجوه عرفانی مشترک این پیوند و ارتباط میان این دو حقیقت با توجه به دیدگاه امام خمینی محل تتبع و بررسی این مقاله است. بدین ترتیب با تأمل در ارتباط تکوینی و تشریعی میان مراتب وجودی انسان کامل و حقیقت قرآن در دو قوس نزول و صعود این نتیجه حاصل شد که اولین منزل نزول قرآن و مرتبه دوم حقیقت آن یعنی علم الله نازل از مقام احدیت ذات یا مقام تعین حق به اسم المتکلم با انسان کامل منطبق است. قوس نزول قرآن هماهنگ با تعین انسان کامل در هر نشئه و مقامی است و هر دو به لحاظ داشتن مقام انبای غیبی، صورت اسم اعظم، مقام جمع اسمای جمالی و جلالی، تناسب با مراتب وجود و تعینات اسمایی و به لحاظ تربیت قرآنی و ربوبیت اسمایی انسان متناسب با لطائف سبعة او با هم سنخیت دارند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، انسان کامل، امام خمینی، عرفان، اسم اعظم، اسماء، مراتب وجود.

مقدمه

قرآن خود را حقیقتی غیبی معرفی می‌کند که از عوالم بالا به این جهان تنزل کرده و به صورت الفاظ درآمده است، و از آن جا که حقیقت قرآن از مقوله‌ی غیب است فهم و شناخت آن به سادگی ممکن نیست (الزخرف: ۴-۱؛ الواقعة: ۸۰-۷۵). در این میان خود قرآن از حقیقت ذو مراتبش پرده برداشته است.

۱. دانشجوی دکتری عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: hassanpour23@yahoo.com

۲. استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. Email: M-tavackoli@sbu.ac.ir

۳. استادیار گروه عرفان اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. Email: logos_57@hotmail.com

در روایات هم معصومین علیهم السلام به تبیین و توضیح این مساله پرداخته‌اند. حقیقت قرآن براساس مبانی فلسفی و عرفانی نیز مطرح شده و با مباحثی همچون اصالت و تشکیک وجود مرتبط است و با بحث‌های وجود شناسی و انسان شناسی در عرفان پیوند دارد، تبیین موضوعاتی همچون ارتباط میان قرآن و انسان و ساحات وجودی او، جهان و ارتباط آن با حروف و الفاظ قرآن، نحوه صدور معانی غیبی و تجلیات حق در مراتب گوناگون، مرتبه غیبی و الهی انسان کامل و حقیقت اسمای الهی از جمله مباحثی هستند که حقیقت کلام الهی را روشن می‌سازند. یکی از موضوعات قابل توجه وجوه ارتباطی میان این حقیقت با انسان کامل و انطباق وجودی میان آنهاست. امام خمینی با رویکرد جامعی که نسبت به جایگاه انسان در نظام هستی شناسی عرفانی دارد، به تبیین حقیقت قرآن و نحوه ارتباط آن با انسان کامل و اسما پرداخته است. به دلیل اهمیت قرآن و جایگاه انسان کامل و اسمای الهی به عنوان هادی سالکان در سلوک و نیل به حقیقت توحید، ضروری است شبکه ارتباطیشان در هستی و اهمیت بهره‌گیری از آنها روشن گردد.

پرسش اصلی این نوشتار آن است که وجوه انطباق حقیقت عرفانی قرآن با مراتب وجودی انسان کامل از نظر امام خمینی کدام است و چه ارتباطی با اسما دارند؟ نظرگاه این پژوهش آن است که میزان قابلیت وجودی انسان کامل و به تبع آن سایر انسان‌ها برای دریافت حقایق قرآن مورد جستجو و کنکاش قرار بگیرد. برای پاسخ به این سوال به روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا به حقیقت قرآن کریم و انسان کامل در عوالم وجودی پرداخته شده، سپس وجوه مشترک عرفانی این دو، نحوه ارتباطشان با هم و با اسمای الهی و در عالم تکوین و تشریع مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. پیشینه

در موضوع انطباق مراتب وجودی انسان کامل با حقیقت قرآن از منظر امام خمینی کتاب و مقاله مستقلی یافت نشد. اما برخی از مقالات تنها از یک وجه و به طور غیرمستقیم با موضوع این مقاله مرتبط‌اند. پژوهش مرتبط با این موضوع در پژوهشنامه متین عبارتند از: عباس محمدیان (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان «انسان کامل از منظر امام خمینی» صورت انسان کامل در عالم آفرینش و ارتباطش با سایر موجودات و مباحثی همچون مصادیق انسان کامل و مقامات او از دیدگاه امام خمینی مورد بحث قرار داده است. در سایر مجلات معتبر تنها می‌توان به یک مقاله با عنوان «وحی رسالی از دیدگاه ابن عربی» از علیرضا کمره‌ای (۱۳۹۱) اشاره کرد که در بحث از ویژگی‌های وحی رسالی به جایگاه و حقیقت قرآن اشاره کوتاهی کرده است، بدون اینکه ارتباط حقیقی آن با انسان کامل روشن گردد. وجه تمایز این مقاله با

بقیه پژوهش‌ها آن است که تبیین نظامند و طرحی مستقل از این همانی قرآن و انسان کامل از نگاه عرفا به ویژه امام خمینی ارائه و ارتباط آن با اسما تبیین شده است.

۲. حقیقت قرآن

از دیدگاه عارفان حق تعالی قرآن را از مقام قرب و قدس خود با هفتاد هزار حجاب نازل فرموده و متناسب با عوالم هستی تنزل داده تا به عالم ملک رسیده و به صورت الفاظ و حروف درآمده است و این نزول نه به تجافی بلکه به تجلی است.

براساس آیات البقره: ۱۸۵، البروج: ۲۲ و الواقعة: ۸۰-۷۵ قرآن دارای حقیقتی دیگر در ورای این الفاظ و عبارات است، که در عالی ترین مرتبه وجود قرار دارد و در آن همه چیز معلوم است، کتاب مبین در آیات قرآن اشاره به اصل آن است که در آن مقام خالی از تفصیل و تدرج است، مسأله تفصیل و جداسازی امری است که بر کتاب عارض شده است. قرآن در امّ الکتاب نزد خدا مقامی بلند دارد، مقامی که دست خرد بدان نمی‌رسد و در کتاب مکنون و پنهان از دید بشر که جز مطهرّون کسی با آن تماس ندارد و از آن حقیقت نزد رب العالمین، این کتاب نازل شده است؛ آن حقیقتی عینی که از جنس الفاظ و مفاهیم نیست و نسبت به این قرآن به مثابه روح نسبت به جسد و ممثّل نسبت به مثل است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، صص. ۲۳-۲۲) در این باره که آن حقیقت چیست و چگونه تجلی یافته مطالبی عنوان شده که در درک وجوه همانندی قرآن و انسان کامل راهگشاست.

۲-۱. قرآن: علم و قول ذاتی حق

توجه به حقیقت قرآن از یک جهت نظر به علم حق و از جهت دیگر نظر به کلام اوست. لذا در سخن اهل معرفت سخن از هر دو به میان می‌آید. مرتبه اول قرآن ذات پروردگار است زیرا حقیقت آن علم می‌باشد و علم متحد با ذات مقدس اوست. (شاه‌آبادی، ۱۳۶۰، ص. ۲۲)

با اذعان به اینکه فهم عظمت قرآن خارج از ادراک انسان است، امام خمینی در بیان حقیقت قرآن ابتدا به تکلم حق چنین اشاره می‌کند:

«حضرت حق جلوه خود را بذاته من ذاته اظهار نموده و ذات وی به تمام معنی از ذاتش هویدا و ظاهر بوده و ذات او من ذاته مستشعر ذات خویش می‌باشد و آن تکلم ذاتی است و اینکه حق، حقایق وجودات عالم را به واسطه فیض منبسط و وجود پهناور در صبحگاه از پس پرده افق عالم امکان، اظهار می‌فرماید، تکلم فعلی است. بنابراین «متکلم» بر حضرت حق اطلاق می‌گردد.» (اردبیلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص. ۱۴۲) ایشان

برای تکلم مراتبی برشمرده اند که با نشئه و مرتبه‌ای از مراتب وجود تناسب دارند. «تجلّی ازلی اعلیٰ مراتب تجلّیات در حضرت ذات برای ذات است و این تجلّی و اظهار غیبی و مقارعه ذاتیه «کلام ذاتی» است که به لسان ذات در حضرت غیب واقع می‌شود.» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص. ۲۵۵) همچنین در ذیل عبارت شریفه دعای سحر «اللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ قَوْلِکَ بِارْضَاہُ، وَ کُلُّ قَوْلِکَ رَضِیٌّ...» رضایت بخش‌ترین قول تکوینی را همان قول ذاتی می‌دانند که به واسطه آن اسماء در حضرت علمی ظهور یافتند. (امام خمینی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۵) و معتقدند که این کلام حقیقت قرآن است که: «قبل از نزول آن به مراتب خلقی و عالم ملک از شئون ذاتیه و حقایق علمیه در حضرت واحدیت است و آن حقیقت «کلام نفسی»^۱ است که مقارعه ذاتیه در حضرات اسمائیه است.» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص. ۱۸۱)

به بیانی دیگر همه کمالات وجودی به مقام جمعی در مرتبه احدیت به نحو اجمالی و در مرتبه واحدیت به نحو تفصیلی موجودند و این کمالات از طریق اسماء بر عالم نازل می‌شوند. بر این اساس به اعتباری مبدأ و سرچشمه قرآن، مقام تعین حق تعالی به اسم المتکلم است که مرتبه واحدیت و ام الکتاب و به تعبیری کلام نفسی است و به اعتباری علم الله نازل از مقام احدیت ذات است.

وحی قرآنی همان تجلّی ذاتی پروردگار است. «اگر این کتاب مقدس و نوشته پاک سبحانی به اشاره‌ای از اشاره‌ها و جلوه‌ای از جلوه‌هایش تجلّی می‌کرد و گوشه‌ای از حجاب‌های نورانی خود را از آسمان و زمین برمی‌داشت، ارکان آن را می‌سوزاند، و اگر بر فرشتگان مقرب جلوه می‌کرد، وجود آنان را درهم می‌کوبید.» (امام خمینی، ۱۳۹۵، ص. ۵۸) بنابراین وحی موهبتی الهی است که جز به اراده او صورت نمی‌گیرد و آن را در قلب پیامبرش القا می‌کند و وجود پیامبر محل تجلّی آن حقیقت است و حتی الفاظ وحی قرآنی نیز از سوی خداوند القا شده است.

عرفا قرآن را حقیقت گسسته از هستی نمی‌دانند بلکه آن را با وجود و امور مرتبط با ذات الهی مرتبط و متصل می‌دانند؛ لذا در تبیین حقیقت قرآن ارتباط آن را با مراتب هستی روشن می‌سازند. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) در باب مراتب قرآن آمده است:

«مِنْ آيَةِ اِلَآ وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ وَ مَا فِيْهِ حَرْفٌ اِلَآ وَ لَهُ حَدٌّ وَ مَطْلَعٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص. ۱۹۷) (آیه‌ای نیست در قرآن مگر اینکه ظاهری دارد و باطنی و حرفی نیست در آن مگر آن حرف دارای حدّی است و برای هر حدّی مطلعی است).

^۱. کلامی که عین ذات و عبارت از خبر دادن حق از غیب احدیتش است.

بنا برآنکه صفحات وجود، قرآن باشد، مطلع آن کلام ذاتی و تجلّی اعرابی است که مرتبه واحدیت است؛ این مرتبه مقدم است بر تعینات غیبی و شهودی؛ حدّ کلام ظلی است که برزخ میان حضرت واحدیت و مظاهر غیب و شهود است که به عماء و فیض منبسط تعبیر می‌شود، و بطن قهراً عوالم غیبی و ظاهر عالم حس و شهادت است. (امام خمینی، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۱۴) لذا مرتبه عالیّه کتاب الهی که از آن به مطلع کتاب و مرتبه تعین حق به اسم «المتکلم» تعبیر شده، مقام احدیت جمع است و مراتب و درجات آن بعینه متحدست با درجات و مراتب وجودی آنکه، این کتاب بر او نازل شده است. (قیصری، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۰) به عبارتی دیگر از نظر امام کلام ذاتی به مرتبه احدیت و مطلع به مرتبه واحدیت مربوط است و ادراک معانی غیبی کلام حق در احدیت ذات، تنها بر حقیقت محمدیه مقدور است. با توجه به این مطلب، یکی از راههای فهم حقیقت قرآن، شناخت انسان کامل و کشف وجوه ارتباطی این دو است.

۲-۲. قرآن مظهر اسم اعظم و حقیقتی ابدی

با توجه به تفسیر آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (القدر: ۱) حق تعالی با همه شئون اسماء و صفاتش مبدأ این کتاب شریف است و از این جهت، «قرآن صورت احدیّت جمع جمیع اسماء و صفات و معرفّ مقام مقدس حق به تمام شئون و تجلّیات و مظهر اسم اعظم الهی است.» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص. ۳۲۱) این خود یکی از معجزات قرآن است که حضرت صادق (ع) به آن اشاره فرموده:

«لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لَخَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَلَكِنَّهُمْ لَا يُبْصِرُونَ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص. ۱۰۷)

از سوی دیگر چون اسم اعظم حقیقتی ازلی و ابدی است، مظهر آن یعنی قرآن نیز ازلی و ابدی و در همه زمان‌ها و همه مراتب جاری است و حقیقتی است که هیچ گاه گرد نیستی بر آن نمی‌نشیند: «حق تعالی بیدی الجلال و الجمال تخمیر طینت آدم اول و انسان کامل فرموده، بیدی الجمال و الجلال تنزیل کتاب کامل و قرآن جامع فرموده. و شاید به همین جهت آن را «قرآن» نیز گویند؛ چه که مقام احدیّت جمع وحدت و کثرت است. و از این جهت، این کتاب قابل نسخ و انقطاع نیست، زیرا که اسم اعظم و مظاهر او ازلی و ابدی است.» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص. ۳۲۱)

۲-۳. قرآن جامع همه معارف

از تأمل در آیاتی همچون «وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (یونس: ۶۱) معلوم می‌شود حقائق و معارف قرآن بی‌نهایت است زیرا که آن مرتبه نازله علم الهی و مطابق کلّ عوالم، یعنی وجود کتبی و کلامی آن است. منظور از «قرآن

مُبِين» در آیات نیز، جامعیت و مظهریت قرآن (جامع لکل شیء، مظهر له) (کاشانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۵۲) یعنی دربردارنده و مظهر هر چیزی است. البته از دیدگاه امام خمینی جامعیت قرآن، جامعیت اعتدالی و منطقی است نه جامعیت مطلق و فراگیر؛ که این نگاه با توجه به هدف شناسی نزول قرآن و شناخت رسالت آن به دست می آید. (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۱۰)

قرآن تا نزول به عالم ماده مراتب متعددی را می پیماید و در هر مرتبه که قرار می گیرد ویژگی و خصوصیات آن مرتبه را به خود می گیرد، بنابراین صورتی که در صقع ربوبی به آن ظاهر می شود با صورتش در عوالم خلقی، متفاوت است و با صورتی که در عالم عقل، تجلی می یابد؛ و آنچه در مرتبه نفس یا عرش و یا کرسی یا مراتب دیگر جلوه می کند، فرق دارد تا اینکه به عالم ملک رسیده و در این عالم به صورت کتاب تدوینی الهی و در قالب الفاظ آشکار می شود.

آیه «ما فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (الانعام: ۳۸) نشان می دهد که قرآن کریم، همه معارف از جمله معارف باطنی و معنوی را دارد: «قرآن شریف به قدری جامع لطایف و حقایق و سرایر و دقایق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می ماند.» (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴۳)

قرآن دارای ظاهر و باطنی است که در طول هم می باشند و نه در عرض هم و ظاهر تنزل یافته باطن و بر این اساس جامع همه مراتب و معارف است. امام صادق (ع) در روایتی فرمودند: «قرآن را تأویلی است که همچون گردش شب و روز و سیر خورشید و ماه، جریان دارد و چون تأویل چیزی از آن بیاید واقع می شود؛ بعضی از آن تأویلهای آمده است و بعضی هنوز نیامده است.» (حکیمی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۲۰) در روایت است که پیامبر (ص) فرمود: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنًا وَ لِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ» (ابن ابی جمهور، ج ۴، ص ۱۰۷) «همانا برای قرآن ظاهر و باطنی است و برای باطن آن باطنی تا هفت بطن». منظور از بطون هفت گانه قرآن، مراتب هفت گانه کلی وجود از مقام احدیت غیبی، و حضرت واحدیت و مقام مشیت و فیض منبسط و عالم عقل و عالم نفس کلی و عالم مثال مطلق و عالم طبیعت است. (امام خمینی، ۱۴۱۰، ص ۲۱۴) با توجه به مطالب فوق قرآن در عوالم مختلف به نامهای مخصوص خود خوانده می شود. در یک جا قرآن را «مجید» می خوانند. (البروج: ۲۲)؛ در عالم دیگر «مبین» در عالم دیگر، «عظیم» (الحجر: ۸۷)؛ در جای دیگر، «عزیز» (فصلت: ۴۱) در عالمی دیگر، «کریم» (الواقعه: ۷۷) در جهانی دیگر، «حکیم» (یونس: ۱) می خوانند. (عین القضاة، ۱۳۴۱، ص ۱۷۴) بطون قرآن دارای حقایق غیبی است که جز بر کسانی که از ظلمات عالم ناسوت رها شده و حجابهای ظلمانی و نورانی را پشت سر گذاشته، کشف نخواهد شد.

۳. حقیقت انسان کامل

انسان کامل از جایگاه والایی برخوردار است و آینه تمام نمای حق تعالی برای مخلوقات است. اشرف مخلوقات و واسطه فیض از مبدأ فیاض به تمامی موجودات عوالم وجود و واسطه هدایت خلق است. (امام خمینی، ۱۴۱۷، ص. ۱۰۹)

همانگونه که ایجاد و خلق موجودات از مبدأ به واسطه او صورت می‌گیرد، بازگشت آنها به سرچشمه وجود در قوس صعود نیز به واسطه اوست. انسان کامل حقیقه الحقایق و روح الارواح و صورت همه صورتها و ماده المواد و جامع جمیع مراتب کمال است که صفات جمال و جلال در او به صورت مکنون وجود دارد و عوالم غیب و شهود در آن پنهان است. (محمدیان، ۱۳۸۴، ص. ۱۱۷)

واجد همه اسماء و صفات الهی است و با تعبیراتی همچون خلیفه، قطب، صاحب زمان، جام جهان‌نما و آینه گیتی‌نمای و تریاق بزرگ و اکسیر اعظم و قلب عالم معرفی شده است. (نسفی، ۱۳۸۶، ص. ۷۵) «برزخ بین وجوب و امکان است و خداوند محل خلافت او را زمین قرار داد که مرکز دایره وجود است. مبدأ انتشار و سریان نفس رحمانی برای پدید آمدن نشئه کلی وجودی است. قلب عالم معرفی شده چون انسان حقیقی در منزلت و مقام اولین است، اگرچه از جهت صورت آخرین است. علت بقای موجودات در تمام عوالم بالا و پایین اوست.» (قونوی، ۱۳۷۱، ص. ۹۴) به عبارت دیگر انسان کامل به لحاظ برزخیتش با جهت حقی و وجوبی خدای متعال و جهت امکانی سایر موجودات در ارتباط بوده و اگر این مناسبت و هماهنگی نبود، فیضی به عالم نمی‌رسید. همانطور در ذیل آیه «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (لقمان: ۱۰) انسان کامل به عنوان ستون عوالم هستی معرفی شده که بدون او هستی فرو می‌ریزد. (ابن عربی، ب. ۱۴۱۰، ج ۳، ص. ۳۶۲) او کتابی است جامع کتب تکوینی الهی. (امام خمینی، ۱۳۹۵، ص. ۵۸) پس او واسطه خلقت و غایت حقیقی آفرینش است. حقیقت ملکوتی انسان کامل، حقیقت محمدیه است. این حقیقت دارای جمیع مظاهر و جامع تمام مراتب عوالم الهی و کونی است. اسرار الهی در عالم به طور تفصیل و در او به صورت مجموع است.

۴. ارتباط تکوینی انسان کامل با قرآن:

ارتباط میان قرآن و انسان کامل را می‌توان در دو عالم تکوین و تشریع مورد توجه قرار داد. در عالم تکوین به لحاظ فرایند دریافت حقایق از ذات الهی و نحوه مظهریتشان برای غیب الغیوب، مقام انبای غیبی، ارتباطشان با مراتب و عوالم مختلف هستی و کیفیت ارتباطشان با اسماء الهی مطابقت دارند.

۴-۱. مقام تکلم ذاتی و انبای غیبی

انسان کامل در فنای ذات و با نیل به مقام «أَوْدُنِي» تمام حقایق کلمات خداوند یعنی قرآن را یکجا دریافت نمود. در این مرتبه الفاظ و عبارات قرآن مطرح نیست. همچنین در این مرتبه هیچ واسطه‌ای هم

نیست. یعنی حقیقت قرآن بی واسطه جبرئیل بر انسان کامل محمدی و حقیقت محمدیه نازل شده است. آنچه برای حقیقت محمدیه در احدیت به صورت مجمل بوده، به صورت مفصل در عین کشف تفصیلی در واحدیت ظاهر می شود. درک این نزول و تجلی در اختیار کسی جز پیامبر اکرم (ص) نیست.

گذشت که مبدأ تعین کلام الله، مقام تعین حق به اسم «المتکلم» و علم نازل از سوی حق است. این مقام، مقام انبای^۱ غیبی یعنی انباء از ذات، صفات و اسمای الهیه در مرتبه واحدیت است. «اسم الله اعظم (یعنی مقام ظهور حضرت فیض اقدس و خلیفه کبری و ولی مطلق) همان نبی مطلق است که با اسما و صفات به مقام تکلم ذاتی خود، در حضرت واحدیت تکلم نموده است.» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص. ۴۰) به بیانی دیگر تعلیم و انباء اسم الله بر اسماء دیگر در تعین ثانی، خود نوعی تکلم، یعنی تکلم ذاتی محسوب می شود و از این رو، موطن کلام ذاتی در واحدیت است. «تکلم ذاتی، در مقابل تکلم وجودی یا همان تکلم در خارج از صقع ربوبی است که اشیاء و حقایق خارج از صقع را پدید می آورد و از این رو همه آن ها کلام الهی و کلمات ربانی هستند.» (یزدان پناه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۶۴۴) کلام ذاتی همان تجلی به اظهار ما فی الغیب بر ذات مقدس خود است، صفتی از صفاتش در حضرت جمعیه کمالیه (تعین ثانی) است و کلام ظهوری وجودی که همان تجلی برای اظهار ما فی الغیب بر حقایق تفصیلیه است، صفتی از صفات فعلی است. (امام خمینی، ۱۴۱۰، صص. ۲۳۲-۲۳۱)

از آن جا که نبوت اظهار امور غیبی مکنون در مراتب نزولی توسط نبی است. و این امر با جهت ظهوری فیض اقدس یعنی اسم الله اعظم که مرتبه عالی نبوت و خلافت نیز هست، تحقق پیدا کرده است. و نیز از آن رو که اسم اعظم الله رب انسان کامل و رب عین ثابت محمدی است، «انسان کامل که جانشین اسم اعظم الله در ظهور به مرتبه جامعیت و ظاهر نمودن صور اسمائی در نشئه علمی است.» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص. ۳۵) با کلام ذاتی حق در ارتباط بوده و کامل ترین مراتب ولایت را - که باطن نبوت است - داراست؛ لذا دارای مقام انبا است و به این ترتیب حقیقتش با حقیقت قرآن یکی بوده و اولین مستمع کلام حق است. این مرتبه بر طبق آنچه در ابتدا مطرح شد در مقام «أو أدنی» یا تعین اول که جامع همه تعینات و نزدیک ترین تعین به ذات حق است؛ برای انسان کامل حاصل شده و او تمام کلمات خداوند را دریافت نموده است.

^۱ امام خمینی پس از بیان قاعده روح معنا، آن را با بحث انباء تطبیق می دهد و روح معنای انباء را «اظهار ما فی الغیب» می داند. (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص. ۳۵)

شخص نبی در مقام قاب قوسین أو أدنی عقل بسیط قرآنی است که عالم به جمیع موجودات است و با کلّ معقولات متحد می‌باشد و نیز قلم اول حق است و به وجهی کلام الله و کلمه تامه او است زیرا وجود مقدسش جمیع کلمات الله است. (ملاصدرا، ۱۳۶۷، ص. ۳۳) در نتیجه حقیقت قرآن که مقام تکلم ذاتی است با حقیقت انسان کامل متحد است. بر این اساس، یکی از وجوه انطباق قرآن و انسان کامل برخورداریشان از مقام انبای غیبی است.

۴-۲ اتحاد و سنخیت مراتب طولی

وجه دیگر این ارتباط به لحاظ اتحاد مراتب انسان کامل با مراتب قرآن و مقام فنایش در حق تعالی است:

« حقیقت قرآن برای احدی حاصل نشود به علوم رسمیّه و نه به معارف قلبیه و نه به مکاشفه غیبیه مگر به مکاشفه تامّه الهیه برای ذات مبارک نبیّ ختمی (ص) در محفل انس «قاب قوسین» بلکه در خلوتگاه سرّ مقام «او ادنی». و دست آمال عائله بشریه از آن کوتاه است مگر خلّص از اولیاء الله که به حسب انوار معنویّه و حقایق الهیه با روحانیت آن ذات مقدس مشترک و به واسطه تبعیت تامّه فانی در آن حضرت شدند، که علوم مکاشفه را بالوراثه از آن حضرت تلقی کنند و حقیقت قرآن به همان نورانیت و کمال که در قلب مبارک آن حضرت تجلّی کند به قلوب آنها منعکس شود بدون تنزل به منازل و تطوّر به اطوار؛ و آن قرآن بی تحریف و تغییر است. » (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص. ۱۸۱)

انسان کامل که جامع مراتب و مقامات الهی است در مقام قلب از مراتب صعود و ترقّی معنوی انسان، سزاوار دریافت کلام الله می‌شود. «برای حضرت ختمی مقام در حال شهود ذاتی و فنا در عین وجود، در مقام «سرّ» بلکه «خفی»، بدون تنزل یا احتجاب به مقام «قلب» تلقی حقیقت قرآن ممکن نبود. و نیز در ابتدای بلوغ به مقام «قلب» نیز استعداد تلقی حقیقت جمعی قرآن امکان نداشت؛ زیرا مظهر حقیقت قرآن قلبی است که بالغ به مقام «روح» و «سرّ» و «خفی» و «اخفی» باشد، تا مظهر تجلّی قرآنی قرار گیرد.» (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص. ۳۶) لذا همه مراتب سیر و سلوک الهی را متناسب با درجات قرآن داراست. قرآن کریم صورت علم کلی الهی شامل همه مراتب و درجات وجود و ظهور و بیانگر احوال انسانها معجزه الهی است واسطه ظهور این کلام از جهت مقام احدیت جمعی به طریق اولی دارای حد اعلی و اتم و اعجاز است.

اولین منزل نزول قرآن، انسان کامل است و حقیقت قرآن که علم الله نازل است با او متحد می‌باشد، در واقع این مرتبه اولین منزل نزول قرآن و مرتبه دوم حقیقت آن است. این مرتبه همان حقیقت احمدیست در موقع توجه تأمّش به ذات مقدس احدی به گونه‌ای که شاهد چیز دیگری غیر ذات احدی حتی وجود

خودش نباشد و میان او و پروردگار فاصله نباشد؛ این حالت فنا فی الله است که از آن تعبیر به لیلہ القدر شده است. مرتبه سوم نیز حال بقاء بعد الفناء انسان کامل است که سرّ وجودی اطلاقی و مشیت الله از آن تعبیر شده است. مرتبه چهارم قرآن ظهورش در عقل بسیط پیغمبر اکرم (ص) و پس از آن در عقل تفضیلی آن بزرگوار و مرتبه پنجم قرآن است، تنزل روح بر حضرت در همین مرتبه بوده و پس از آن در واهمه آن بزرگوار ظاهر می شود تا آنکه در مرتبه خیال آن حضرت قابل تقدیر صوتی و لفظی شود و این مرتبه ششم قرآن است و تنزل ملائکه بر نبی اکرم (ص) در همین مرتبه بوده و پس از آن به صورت الفاظ و کلمات در می آید و قرآن لغوی بر آن اطلاق می شود و این مرتبه هفتم است که بدین ترتیب قوس نزول قرآن پایان می یابد. (شاه آبادی، ۱۳۶۰، صص. ۲۳-۱۳) در نتیجه قوس نزول قرآن هماهنگ با تعیین انسان کامل در هر نشئه و مقامی است.

از منظر عرفا عوالم وجود و مراتب هستی از غیب و شهود کتاب الهی و کلمات ربّانی هستند که برای آنها ابواب و فصولی وجود دارد و برای هر بابی کلیدی است که با آن گشوده می شود و بر هر فصلی آیتی و برای هر آیه ای، کلمات و برای هر کلمه ای، حرفی است و فاتحه این کتاب تکوینی که منزّه از هر کثرت و کدورتی است عالم عقول مجرده و ملائکه و تعیین اول مشیت و به عبارتی خود مشیت است که کلید غیب وجود است و خاتمه این کتاب الهی، عالم طبیعت به حسب قوس نزول است. (قیصری، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۱) «انسان کامل هم که جامع همه مراتب سلسله وجود است؛ کتاب کلی الهی است. در نتیجه، اگر او را کتابی واحد فرض کردیم، باطن و روح و عقل و نفس و خیال و طبعش ابواب و سوره های آن و مراتب هر یک از آن ها آیات و کلمات الهیه خواهند بود؛ ولی اگر او را کتاب های گوناگون بدانیم، هر یک از آن ها کتاب مستقلی است که باب ها و فصل هایی دارد. و اگر هر دو اعتبار را با هم لحاظ کنیم، کتابی است دارای جلد ها و قرآنی دارای سوره ها و آیات. بنابراین، انسان کامل به وجود تفریقی و به اعتبار تکثر «فرقان» است چنانچه روایت شده که علی (ع) فرقان و به اعتبار وجود جمعی «قرآن» است. (امام خمینی، ۱۳۹۵، ص. ۵۸) در نتیجه بطن هفتم از کلام الهی و قرآن، یعنی مقام «أَوَّلُ أَدْنَى» و «تعیین اول» نهایت سیر انسان محمدی یعنی تمام ترین کلمه الهی است و همه این تفاسیر نشان دهنده وحدت و هماهنگی میان ذات حق، عوالم وجود، قرآن و انسان کامل است. یعنی قرآن وجود علمی و عینی دارد که حقیقت عینی قرآن همان صاحب مقام ولایت یعنی انسان کامل است که این دو از هم تفکیک ناپذیرند و هیچ گاه نمی توان آنها را جدا از هم تصور کرد. لذا قرآن و انسان کامل، به حسب وجود علمی و مراتب تعینات با هم سنخیت و پیوستگی دارند.

۴-۳. ارتباط وجودی با اسماء و صفات الهی

یکی از وجوه مشترک عرفانی میان قرآن و انسان کامل، ارتباط و نسبتشان با اسماء و صفات الهی است. «صورت اسم «الله» که عین ثابت انسان کامل است، نخستین صورتی است که در حضرت علمیه به ظهور رسیده و به واسطه او سایر اسماء، مظاهر و تجلیاتشان ظاهر شده‌اند. پس انسان کامل یا کون جامع اسم اعظم حق است؛ اولیّت و آخریت و ظاهریّت و باطنیّت برای اوست.» (امام خمینی، ۱۴۱۷ق، صص. ۴۹-۴۸) و اسم اعظم به حسب حقیقت عینی عبارت است از انسان کامل که خلیفه خدا در همه مسببات هستی است.

«عین ثابت حقیقت محمدیه به سبب اتحاد با اسم «الله» قابلیت مظهریت تمامی اسماء را دارد و مربوب حق تعالی به اسم جامع است لذا هیچ یک از اسماء بر او غلبه ندارد و خود نیز چون ربّ خود دارای مقام برزخیت کبری می‌باشد و سیرش بر طریق مستقیم اسم جامع است؛ در حالی که در مورد سایر موجودات اسمی از اسمای محیط یا غیر محیط تصرف دارند که آن موجود مظهر همان اسم است و ابتدا و بازگشت آن نیز به همان اسم می‌باشد. حق تعالی به مقام اسم جامع و ربّ الانسان بر صراط مستقیم است. چنانچه فرماید: «إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (هود: ۵۶). یعنی مقام وسطیت و جامعیت بدون برتری صفتی بر صفتی و ظهور اسمی دون اسمی. در حالی که هیچ یک از موجودات دیگر بر صراط مستقیم نیستند بلکه اعوجاج دارند یا به جانب لطف و جمال یا قهر و جلال.» (امام خمینی، ۱۳۸۳، ص. ۵۳۱) به جز انسان کامل که جامع همه اسماء و صفات الهی است؛ همانطور که گذشت قرآن نیز صورت اسم اعظم است و یکی از دو مقام اسم اعظم استجماع همه اسماء است. این صحیفه نورانیّه صورت «اسم اعظم» است، چنانچه انسان کامل است. یعنی حقیقت هر دو در حضرت غیب یکی است، و در عالم ملک به لحاظ صورت از هم جدا شده‌اند. ولی باز هم به لحاظ معنا از هم متفرّق نیستند.» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص. ۳۲۱) پس همه اسماء در قرآن به این اعتبار نیز متجلی هستند و همین کتاب در کسوت عبارت و الفاظ، در مرتبه ذات تجلیات ذاتیه است پس در تنزلات قرآنی نیز این اسم باید باشد.

از منظر دیگر هر فرد موجود یا هر مرتبه‌ای از مراتب عالم هستی، آینه و مظهر یک یا چند اسم الهی است اما انسان کامل نماینده و مظهر همه اسماء و صفات الهی آن هم به نحو جامع است. انسان کامل مظهر اسم اعظم الله است، اسم اعظم مظهر اسماء اعم از اسمای جمالیّه و جلالیه است. عالم اسمای الهی را به تفصیل نشان می‌دهد اما انسان، احکام و آثار همه را به نحو اجمال نشان می‌دهد. به عبارت دیگر عالم هم‌چون انسان بر صورت الله آفریده شده است و به لحاظ ظاهر به تعبیر عارفان «عالم کبیر» است و حقایق را کامل نشان می‌دهد اما در معنا و باطن انسان کامل است که دربردارنده همه

حقایق مراتب وجود است. قرآن کریم نیز در جمع اسمای جمالی و جلالی با انسان کامل سنخیت دارد؛ همانطور که خداوند در آیاتش به هر دوی این اسماء اشاره می‌کند، برای نمونه آیه :

«كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمان: ۲۷-۲۶)

قرآن و انسان کامل که مظهر و تجلی گاه هر یک از اسماء جمالی و جلالی اند و به حقایق ظاهری و باطنی هردو متصفند، متناسب و کاملند. در واقع قرآن کریم و حقیقت انسان کامل متناسب با هر نشئه ای از نشئات، تعین خاص و اسم مخصوصی به خود گرفته اند، بدین جهت جایز است که آثار تمامی آن مراتب را بر حقیقت خود نسبت دهند. در نتیجه هر دو آنها از یک نظر به دلیل صورت اسم اعظم بودن و به وجهی جامع اسماء و صفات متقابل الهی بودن بر هم مطابقت دارند.

۵. ارتباط تشریعی انسان کامل با قرآن:

انطباق وجودی قرآن و انسان کامل در عالم تشریع از یک نظر به لحاظ تأثیر و نقشی که در رشد و ترقی انسان در قوس صعود دارند و از منظر دیگر به لحاظ جایگاهی که در حفظ جهان هستی و فیض رسانی به مخلوقات از ملک تا ملکوت و از دنیا تا عقبی دارند، قابل تأمل است.

۵-۱. اعجاز تربیتی قرآن از مجرای انسان کامل در قوس صعود

با توجه به مبانی عرفان، هر موجودی با هر ویژگی براساس اقتضائات عین ثابته خود در عوالم مختلف حضور دارد. در حضرت الوهیت عین ثابت قرآن کریم، طلب و اقتضائات گوناگونی داشته و همه ویژگی‌های قرآن براساس این اقتضائات شکل گرفته است یعنی با توجه به این قابلیت‌ها و اقتضائات در خارج از صقع ربوبی مراتب گوناگون هستی را طی کرده تا به عالم ملک رسیده است و لذا نزول تدریجی در طول ۲۳ سال بر رسول اکرم (ص)، تعداد سوره‌ها و آیات، زبان قرآن، آیاتی با موضوعات مختلف فردی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و... در علم پیشین الهی رقم خورده است. بعد از ختم قوس نزول قرآن، قوس صعودش آغاز می‌گردد و قوس صعود قرآن با انسان کامل اولاً و سایر انسان‌ها ثانیاً مرتبط است که به لحاظ ارتباط قوس صعود با اختیارات انسان، این ارتباط تشریعی است. هنگامی که قاری قرآن یا مستمع آن، استماع صوت قرآن می‌کند صوت قرآن در قوه حس مشترک او وارد می‌شود و از آنجا به ملکوت خیال منتقل و بعد از آن وارد عقل بسیط و بعد از آن در مرتبه سرّ وجودی اطلاقی و سپس در مرتبه تعلّم از حق تبارک و تعالی در حال فنا سالک در ذاتش واقع می‌شود. درست همانگونه که معصوم می‌فرماید: آیه شریفه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (الحمد: ۵) را به حدی تکرار کردم تا آنکه در مرتبه فناء در حضرت احدیت از ذات مقدسش شنیدم و این کنایه از تعلّم قرآن از حق بدون واسطه

در حال فنا در ذاتش است و این هفت مرتبه قوس صعود قرآن است. (شاه‌آبادی، ۱۳۶۰، ص. ۲۳) که با اراده انسان در بهره‌گیری از کلام حق آغاز می‌شود.

قرآن کریم براساس اقتضائات عین ثابت خود از جنبه‌های مختلفی دارای اعجاز است. جنبه‌هایی چون فصاحت و بلاغت، معارف، هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا، از نظر اسرار آفرینش، خبرهای غیبی و... در این میان، مهم‌ترین جنبه اعجاز و هدف اصلی نزول قرآن، اعجاز تربیتی آن است. به این معنا که همه جنبه‌های اعجاز قرآن در خدمت جنبه تربیتی آن هستند. قرآن با جامعیت و معارف عالی‌اش متناسب با ساحات وجودی و شئون انسان برنامه دارد، رذیلت‌های درونی او را تزکیه کرده، بر نیات و ملکات نفسانیش نقش الهی می‌زند و در مسیر معرفت و سیر الی الله و شهود اسماء الله قرار می‌دهد. به بیانی دیگر خطابات قرآن زبان حال مخاطبین و استعدادات آنها و بیانگر احوالات و مقامات و نشئات انسان در مقام صعود وجود و نشان‌دهنده حالات و مقامات همه نفوس و حقایق در قوس نزول است. (قیصری، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۰) و بیانگر مظاهر اسمایی و طریقه نیل به آنها است. از آن جا میان که مقاصد تربیتی قرآن و حقیقت اسمای حق تناسب وجود دارد؛ و با توجه به اتحاد و هماهنگی میان قرآن و انسان کامل ختمی مرتبت و احاطه وجودی آن دو بر همه مراتب وجودی، و با توجه به مراتب انسان کامل به اعتبار وجود جمعی عقلی و تعقل کلیات که محل شهود حقایق الهی است؛ یاریگر و مکمل قرآن در رساندن بشریت به اهداف والای تربیتی و شکوفایی حقایق اسمای الهی در درون آنهاست.

حق تعالی به قلب انسان کامل تجلی می‌کند و انوار الهی از قلب او به عالم منعکس می‌گردد، چون او صاحب اسم اعظم است به واسطه او تمام عالم را تربیت می‌کند؛ در واقع ربوبیت اسمایی از مجرای او بر انسان اثر می‌گذارد و به رشد و کمال شایسته خود می‌رسد. به تعبیر عارفان «هیچ معنایی از معانی از باطن به ظاهر بیرون نمی‌آید مگر به حکم او و چیزی از ظاهر به باطن نمی‌رود مگر به فرمان او». (قیصری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص. ۱۷۲) در نتیجه از آنجا که نبوت خاتم الانبیاء، قرآن و شریعت او کاملترین و محیط‌ترین نبوت‌ها، کتب و شرایع است از بالاترین جنبه اعجاز در ربوبیت و تربیت انسان از طرق مختلف به ویژه از طریق اسمای الهی همسنگ قرآن برخوردار است.

۵-۲. تناسب مراتب کمال انسان هماهنگ با مراتب قرآن و انسان کامل

برخی باطن قرآن را از سنخ معانی و مفاهیم می‌دانند. در مقابل اکثر عرفا قائل هستند که باطن قرآن حقیقتی وراء لفظ دارد و آن حقیقت ذات مراتب است که در پس پرده لفظ پنهان است اما الفاظ و ظاهر قرآن تنها حکایت از مرتبه اخیر و پوسته آن می‌کند. (مقیمی حاجی، ۱۳۸۶، صص. ۷۹-۸۱)

هفت بطنی که برای حقیقت انسان بیان شده با بطون قرآن متناسب است. قرآن و انسان سرّ و هم سرّ سرّ هستند. (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۱۶۲) به عبارت دیگر برای هر فردی از افراد وجود و حتی موجودات مادون، قرآن جامعی است که دارای ظاهر و بطن و حدّ و مطلعی است و به اعتباری مراتب هفتگانه قرآن متناسب با لطائف سبعة انسانی است. به این لحاظ که انسان کامل بر حقیقت قرآن احاطه دارد مراتب حدّ و ظاهر و بطن و مطلع با لطائف سبعة انسانی که مقام خفی و اخفی و روح و قلب و عقل و نفس و طبع، مطابقت دارد. (امام خمینی، ۱۴۱۰، صص. ۲۱۶-۲۱۵)

از سوی دیگر نامحدود بودن انسان و ساحت‌های وجودیش قابل توجه است: «انسان غیر محدود است و مربی انسان غیر محدود است و نسخه تربیت انسان که قرآن است غیر محدود است، نه محدود به عالم طبیعت و ماده است، نه محدود به عالم غیب است، نه محدود به عالم تجرّد است، همه چیز است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص. ۴۲۲) بر این اساس میان قرآن و انسان کامل با انسان رابطه تنگاتنگی برقرار است زیرا انسان موجودی غیرمحدود است، بنابراین باید مربی وی نیز غیرمحدود باشد و این خصوصیت را قرآن و انسان کامل که از جامعیت تربیتی و هدایتی برخوردارند، می‌توانند بر عهده بگیرند. به عبارت دیگر انسان موجودی چند بعدی یعنی ابعاد مادی، مثالی، ملکوتی، عقلانی و الهی متناسب با مراتب گوناگون هستی است. قرآن متناسب با ساحت‌های وجودی انسان برنامه دارد: در ساحت افعال و عملکردش متناسب با ویژگی‌های عالم ملک، در ساحت خلق و خواها و ملکات نفسانی او متناسب با عالم مثال، و در ساحت عقل و باورها و عقاید و... متناسب با عالم ملکوت و جبروت و در مرتبه سرّ و خفی و اخفی متناسب با عوالم الهی. حضرت ختمی مرتبت که معارف عالیّه قرآن را شهود کرده سالک را با اختیار خود به آن سرمنزّل حقیقی و ابدی رهنمون می‌کند.

سالک با نفوذ به حقیقت و باطن تجلیات هستی، به معنای شعائر و اصول عقاید دینی می‌رسد و در پایان به شناخت نفس خود راه یافته و براساس آن به این نکته که همه آیات آفرینش از کلمات قرآن گرفته تا خود آدمی، دارای اصول معنوی مشابه و مظاهر اسمای حقند، پی می‌برد. دستیابی به باطن برای انسان‌ها به طور مستقل ممکن نیست مگر به تبع کشف تام حضرت ختمی مرتبت و متصل شدن به حقایق و معارفی که از جانب ایشان منتشر می‌گردد. لذا از منظر عارف قرآن راهنما و نشانه‌ای برای رسیدن به حقیقت انسان کامل و پیامبر اکرم (ص) نیز نشانه‌ای برای رسیدن به حقیقت قرآن در احدیت ذاتیه و اسمای الهی است.

۳-۵. انسان کامل حافظ حقیقت قرآن در عالم ملک

علت غایی خلقت عالم، انسان کامل است و وجود عالم به او وابسته. هرگاه، از این عالم به اصل خود بازگردد، دنیا پایان می یابد و قیامت برپا می گردد. «تمام دایره وجود از عوالم غیب و شهود تکویناً و تشریعاً وجوداً و هدایتاً ریزه خوار خوان نعمت انسان کامل هستند، آن سرور واسطه فیض حق و رابطه بین حق و خلق است. و اگر مقام روحانیت و ولایت مطلقه او نبود، احدی از موجودات لایق استفاده از مقام غیب احدی نبود و فیض حق عبور به موجودی از موجودات نمی کرد و نور هدایت در هیچ یک از عوالم ظاهر و باطن نمی تابید.» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص. ۱۳۷) انسان کامل همانند روح منشأ حیات و بقای جسد عالم است. (ابن عربی، الف ۱۴۱۰ ق، ج ۱۲، ص. ۲۵۵) انوار الهی از قلب انسان کامل به عالم می رسد، عالم به واسطه رسیدن آن فیض، باقی است؛ بنابراین، تا هنگامی که او در عالم موجود است، به واسطه وجود وی و تصرفی که در همه عوالم خلقی و ربوبی دارد؛ باقی خواهد بود. (قیصری، ۱۳۷۵، ص. ۳۵۹)

از سویی «قرآن کریم که صورت علم حق است، با جمیع مراتب وجودیش با عترت متحد است. وجود امام و ولی، منشأ بقاء عالم و صلاح نظام وجود است. این دو در عالم زمان و مکان تقارن دارند. در هر زمانی یکی از افراد عترت، که حافظ حقیقت قرآن باشد موجود است. اول مقارن با کتاب و عالم به قرآن از عترت اطهار، حضرت علی (ع) است، که نزدیکترین شخص به حضرت رسول صلوات الله علیه است، و آخرین فرد عالم به قرآن، مهدی موعود در آخر زمان است.» (آشتیانی، ۱۳۷۰، ص. ۹۱) و به جهت این ارتباط و اتحاد میان قرآن و حضرات معصومین علیهم السلام بقای علم نازل حق یعنی قرآن با همه درجات وجودی آن وابسته به بقای نفوس کامله است. در نتیجه علاوه بر عالم هستی حفظ صورت کتبی انسان و عالم هم به برکت وجود انسان کامل است. مضاف بر اینکه چون قرآن دلیل و حجتی است بر ادعای نبوت و رسالت انسان کامل، حافظ جایگاه او در هدایت تشریعی است.

۶. نسبت قرآن و انسان کامل با قیامت

قیامت به معنای رجوع هر مخلوقی به اصل خود است. در عوالم مادون هر قدر اشیا بروز و ظهور می یابند، حق در دل آنها پنهان می گردد؛ وحدت نیز در دل کثرت مخفی می شود. در عالم آخرت کثرت پنهان و وحدت آشکار خواهد شد و خدای واحد قهار جلوه خواهد نمود. ظهور حق تعالی به وحدتش و قهر و غلبه بر همه اشیاء به واسطه ازاله تعیناتشان و متلاشی و نابود گردانیدشان است: «إيجاد للأشیاء، اختفاؤه فيها مع إظهاره إياها و اعدامه لها في القيامة الكبرى، ظهوره بوحدته و قهره إياها بازالة تعیناتها و سماتها و جعلها متلاشیة» (قیصری، ۱۳۷۵، ص. ۱۷) چنانکه خداوند در آیات خود به این حقیقت در باب آخرت اشاره نموده :

«لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (غافر: ۱۶)

بنابراین قیامت کبری ظهور کامل و ابدی حق است و اسمای الهی که متناسب با عالم ملک تجلی کرده اند، با زوال محدودیتها و برپایی قیامت کبری تجلی تام می‌یابند و به عبارت دقیق‌تر دولت و حکومت اسمای آخرتی آغاز می‌گردد. حق تعالی بر اهل دنیا جز به واسطه انسان کامل تجلی نمی‌کند، تجلیات الهی بر اهل آخرت نیز به واسطه انسان کامل است.

از نشانه‌های انسان کامل تمکن و قدرت اجتماع با هر خلقی از مردگان و زندگان است، البته تا زمانی که حق تعالی برای او اجتماع را معین و مشخص کرده است. انسان کامل را در هر موطن و مقامی صورتی مناسب آن (موطن و مقام) است که با آن (شخص) اجتماع می‌یابد، و چون مدت حکم اراده و قصدش از این اجتماع پایان پذیرفت؛ بر رقیقه‌ای که رابط بین این صورت و بین صورت جامع او به صورتش است فرود می‌آید. (قونوی، ۱۳۸۴، ص. ۷۸۶) بنابراین هیچ مقام و موطنی از انسان کامل خالی نیست و در عالم برزخ و قیامت نیز متناسب با آن مقام و جایگاه حاضر می‌شود.

اقتضای وجودی انسان کامل حضور اشیاء و موجودات و حفظ آنهاست و اقتضای قیامت نیز دگرگونی در نظام همه اشیاء و موجودات است؛ از این رو خداوند حاضر داشتن آنچه را که اراده بردنش را دارد از یاد انسان کامل می‌برد، در این صورت است که مدد الهی قطع شده و صورت آن چیز زایل می‌شود، چنانکه به واسطه حضورش در مرتبه جامعه عالم حفظ و نظام الهی ادامه پیدا می‌کند. مادامی که انسان کامل از این عالم منتقل شود و از دنیا جدا گردد؛ نظام عالم ملک بر چیده می‌شود. و در نتیجه قرآن و هم انسان کامل با حقیقت ابدیشان واسطه فیض و تجلی اسمای الهی متناسب با نظام اخروی خواهند شد. همانگونه که در عالم ملک واسطه جلوه گری اسمای الهی بوده اند.

از برخی آیات و روایات می‌توان دریافت که هم قرآن و هم انسان کامل از گواهان روز قیامت هستند. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...» (البقره: ۱۴۳). امیر المؤمنین در مورد قرآن می‌فرماید: «آگاه باشید که شفاعت قرآن پذیرفته، و سخنش تصدیق می‌گردد. آن کس که در قیامت، قرآن شفاعتش کند، بخشوده می‌شود و آن کس که قرآن از او شکایت کند محکوم است...» (امام علی، ۱۳۹۷، ص. ۵۴۸)

با توجه به اینکه در هر مرتبه از مراتب وجود متناسب با همان مرتبه ظاهر می‌گردند و با توجه به اینکه عوالم وجود در طول یکدیگرند. در قیامت که عالم حقیقت و عین واقع است وجود عینی و حقیقی قرآن که از مرتبه واحدیت تنزل نموده و در این عالم به صورت حروف و کلمه درآمده به صورت انسانی مجسم می‌شود، تکلم می‌نماید، شفاعت می‌کند و بر کسانی که حقش را تباه کردند

معارض می‌شود. یعنی به حقیقت جوهری و صورت واقعی خود متناسب با آن عالم هویدا می‌گردد. این قرآن در دنیا تنها یک محمل و یک مظهر دارد و آن هم قلب انسان کامل مکمل محمدی است. او که مظهر الوهیت و جلوه تام تمام اسماء و صفات الهی است. از آنجا که انسان کامل حائز تمام مقامات و درجات قرآن است و حقیقت قرآن در وجود معصومین علیهم السلام تجلی پیدا کرده است همان گونه که حضرت علی (ع) فرمود: «أَنَا كَلَامُ اللَّهِ النَّاطِقُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۰، ص ۵۴۶) حضور حقیقت قرآن در قیامت، ظهور انسان کامل و حضور انسان کامل محمدی در آن نشئه همان تجلی حقیقت و مراتب انسان است. نتیجه آنکه میان قرآن و انسان کامل تفاوتی نیست این دوگانگی ظاهری متناسب با عالم ماده است اما در مراتب دیگر که امکان جمع حقایق در یک جا هست این دوگانگی مطرح نیست و آنچه ما درباره این دو حقیقت گفته می‌شود از حیث آثار مادی آنها و آثار مترتب بر عوالم خلقی است.

نتیجه

میان قرآن و انسان کامل اشتراکات زیادی وجود دارد که به لحاظ عرفانی قابل توجه و بررسی هستند. زمینه‌های ارتباطی میان این دو حقیقت، حاصل تجلیات و ربوبیت اسمایی، شکل‌گیری عالم تکوین و تشریع، مراتب طولی هستی، استعدادها و قابلیت‌های وجودی انسان است. بررسی وجوه مشترک عرفانی قرآن و انسان کامل انطباق وجودی این دو حقیقت را به اثبات می‌رساند.

از دیدگاه عارفان به ویژه امام خمینی، مرتبه اول قرآن ذات پروردگار است زیرا حقیقت آن علم می‌باشد و علم متحد با ذات مقدس اوست. اولین منزل نزول قرآن و مرتبه دوم حقیقت آن یعنی علم الله نازل و کلام ذاتی با انسان کامل متحد می‌باشد. قوس نزول قرآن هماهنگ با تعیین انسان کامل در هر نشئه و مقامی است. هر دو برخوردار از مقام انبای غیبی و با کل اکوان و عوالم هماهنگ هستند. حقیقت عینی اسم اعظم یعنی انسان کامل با صورت اسم اعظم یعنی قرآن متناسب و به لحاظ مقام جمع اسماء جمالی و جلالی سنخیت دارند.

میان مراتب طولی کلام الله و درجات وجودی انسان کامل و سایر انسانها تناسب و هماهنگی وجود دارد که این هماهنگی نه اتفاقی بلکه به اقتضای هدایت‌گری و ترسیم مطلوب و مقصود اصلی بوسیله قرآن و از طریق انسان کامل است. بنابر دیدگاه امام خمینی ویژگی‌های نامحدود انسان، اقتضای داشتن مربی و نسخه تربیتی هماهنگ با وجودش است، به این لحاظ هفت بطنی که برای حقیقت انسان بیان شده با بطون قرآن تناسب دارد. از مجموع سخنان اهل معرفت می‌توان دریافت قرآن و انسان کامل

حافظ و قرین هم در عالم مُلک و مظهر و مجرای به فعلیت رساندن اسماء الهی در درون انسان و تجلی اسماء باطنی حق در موعودگاه غیبی و جهان اخروی هستند.

کتابنامه

- آشتیانی، جلال الدین (۱۳۷۰). شرح مقدمه قیصری. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ابن ابی جمهور، محمد (۱۴۰۳ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ. قم: موسسه سید الشهداء.
- ابن عربی، محی الدین الف (۱۴۱۰). الفتوحات المکیه. بیروت: الهیئه المصریه العامه للكتاب. ۱۴ جلدی.
- ابن عربی، محی الدین ب (۱۴۱۰). رحمه من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن. دمشق: مطبعة نصر، ۴ جلدی.
- اردبیلی، عبدالغنی (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه (تقریرات مباحث امام خمینی). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- اکبری، فیض الله (۱۳۹۴). جامعیت قرآن از دیدگاه امام خمینی. پژوهشنامه متین، ۱۷ (۶۷)، ۱-۲۲.
- [Dor:20.1001.1.24236462.1394.17.67.1.5](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1394.17.67.1.5)
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۶)، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، با تحقیق و تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰ق)، تعلیقات علی شرح «فصوص الحکم» و «مصباح الأنس»، قم: پاسدار اسلام.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۰)، آداب الصلوٰه، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۵). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۳). شرح چهل حدیث. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۵). ترجمه شرح دعای سحر. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۴۱۷ق). التعلیقه علی الفوائد الرضویه امام خمینی، تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی تهران.
- امام علی (۱۳۹۷). نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی. تهران: انتشارات پیام عدالت.
- حکیمی، محمد رضا (۱۳۷۱). الحیاه، ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شاه آبادی، محمد علی (۱۳۶۰). رشحات البحار. تهران: انتشارات نهضت زنان مسلمان.

- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان فی التفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عین القضاء همدانی (۱۳۴۱). *تمهیدات*. مصصح عقیف عسیران. تهران: دانشگاه تهران.
- قنوی، صدرالدین محمد (۱۳۷۱). *فکوک (کلید اسرار فصوص الحکم)*، ترجمه محمد خواجهوی. تهران: انتشارات مولی.
- قیصری، داود بن محمود (۱۳۷۵). *شرح فصوص الحکم*، تصحیح جلال الدین آشتیانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- قیصری، داود بن محمود (۱۳۸۱). *رسائل قیصری*. تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- کاشانی، عبدالرزاق (۱۴۲۲). *تفسیر ابن عربی (تأویلات عبد الرزاق)*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محمدیان، عباس (۱۳۸۴). *انسان کامل از منظر امام خمینی*. پژوهشنامه متین، ۷ (۲۷)، ۱۴۰-۱۱۷.
- [Dor: 20.1001.1.24236462.1384.7.27.7.1](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1384.7.27.7.1)
- مقیمی حاجی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *فهم قرآن از نگاه امام خمینی*. مجله حضور، ۶۲، ۷۹-۸۱.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۷). *اسرار الآیات*، ترجمه زینب السادات علویّه همایونی. اصفهان: مترجم.
- نسفی، عزیزالدین (۱۳۸۶). *الإنسان الكامل*. تهران: انتشارات طهوری.
- یزدانپناه، یدالله (۱۳۹۵). *فروغ معرفت در اسرار خلافت و ولایت*. تهران: نشر عروج، ۲ جلدی.
- Akbari, F (2015). "The Universality of the Quran from the Perspective of Imam Khomeini." *Matin Research Journal*, 17(67), 1-22. [In Persian]
- [Dor:20.1001.1.24236462.1394.17.67.1.5](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1394.17.67.1.5)
- Ardabili, A (2002). *Khomeini philosophy lectures*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Ashtami, J (1991). *Commentary on the Introduction of Qaisari*. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- . *Tamizat*, edited by Afif Asiran. Tehran: Ayn al-Qudat Hamadani (1962 University of Tehran. [In Persian]
- Hakimi, M (1992). *Al-Hayat*, translated by Ahmad Aram. Tehran: Office for the Publication of Islamic Culture. [In Persian]
- Ibn Abi Jumhur, M (1983). *Awaali al-Laa'ali al-Aziziya fi al-Ahaadeeth al-Diniya*. Qom: Sayyid al-Shuhada Institute. [In Arabic]
- Ibn Arabi, M (1990). *Al-Futuh al-Makkiyya*. Beirut: The Egyptian General Organization for Books. 14 volumes. [In Arabic]
- Ibn Arabi, M (1990). *Rahmatun min al-Rahman and Tafsir and Isharat al-Quran*. Damascus: Matba'at Nadhir. 4 volumes. [In Arabic]

- . *Nahj al-Balagha*, compiled by Sharif Razi, translated by Imam Ali (2018) Muhammad Dashti. Tehran: Payam-e Adalat Publishing. [In Persian]
- Imam Khomeini, S.R. (1989). *Taa'aliqat ala Sharh Fusūs al-Hikam and Misbah al-Uns*. Qom: Pasdar-e Islam. [In Arabic]
- . *Adab al-Salat*. Qom: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Imam Khomeini, S.R. (1996). *Al-Taliqa 'ala al-Fawa'id al-Radawiyya*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Imam Khomeini, S.R. (1996). *Tafsir Surah al-Hamd*. Tehran: Institute for the [In Persian]. Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works
- . *Misbah al-Hidaya toward al-Khilafa and al-*Imam Khomeini, S.R. (1997) *Wilaya*, edited and annotated by Sayyid Jalal al-Din Ashtiani. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Imam Khomeini, S.R. (2004). *Explanation of Forty Hadiths*. Qom: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- . *Collection of Imams Works*. Tehran: Institute for the)-Imam Khomeini, S.R. (2006) Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [In Persian]
- Imam Khomeini, S.R. (2016). *Translation of the Commentary on Dua al-Sahar*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- . *Tafsir Ibn Arabi (Tafsir al-Tawilat by Abdul-Razzaq)*. Beirut:)-Kashani, A (2001) Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Majlisi, M (1983). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Mohammadian, A (2005). "The Complete Human from the Perspective of Imam Khomeini." *Matin Research Journal*, 7(27), 117-140. [In Persian]
[Dor: 20.1001.1.24236462.1384.7.27.7.1](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1384.7.27.7.1)
- Moqimi Haji, A (2007). "Understanding the Quran from the Perspective of Imam Khomeini." *Hozur Magazine*, 62, 79-81. [In Persian]
- Mulla Sadra, M (1988). *Asrar al-Ayat*, translated by Zaynab al-Sadat Alaviyeh Homayuni. Isfahan: Translator. [In Persian]
- Nasafi, A (2007). *Al-Insan al-Kamil*. Tehran: Tohori Publishing. [In Arabic]
- Sharh Fusūs al-Hikam*, edited by Jalal al-Din Ashtiani. Tehran:)-Qaisari, D (1996) Scientific and Cultural Publishing Company. [In Arabic]
- Qaisari, D (2002). *Rasa'il Qaisari*. Tehran: Institute for Research in Philosophy and Wisdom of Iran. [In Persian]
- Qunawi, S.R (1992). *Fukuk (Key to the Secrets of Fusūs al-Hikam)*, translated by Mohammad Khajavi. Tehran: Moli Publishing. [In Persian]
- Shahabadi, M (1981). *Rashahat al-Bihar*. Tehran: Nahzat-e Zanan-e Musalman Publishing. [In Persian]

- . *Al-Mizan Fi Tafsir al-Quran*. Qom: The Society of Seminary)-Tabatabai, M (1995
Teachers of Qom. [In Arabic]
- Yazdanpanah, Y (2016). *Furugh-e Ma'arifat dar Asrar-e Khilafah and Wilayah*.
Tehran: Orouj Publishing. 2 volumes. [In Persian]

فهرست اسنادی نشده